

استقامت در دین‌ورزی؛ بررسی عوامل و آثار آن در قرآن

حجت‌الاسلام والمسلمین عیسی عیسی‌زاده*

مقدمه

خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ، نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ، نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ»^۱: کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنها نازل می‌شوند که ترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است. ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم و برای شما هر چه بخواهید، در بهشت فراهم است و هر چه طلب کنید، به شما داده می‌شود. اینها به عنوان پذیرایی از سوی خداوند غفور و رحیم است.

استقامت و پایداری از عوامل مهمی است که در دستیابی هر فرد و جامعه‌ای به اهداف بلند، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ از همین رو خداوند پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مؤمنان را به پایداری و استقامت فرمان داده است^۲ و آثار ارزشمندی را برای استقامت‌کنندگان اختصاص داده است.^۳ استقامت در مکتب اسلام دارای جایگاه بسیار مهمی است؛ به گونه‌ای که به تعبیر ابن عباس هیچ آیه‌ای شدیدتر و مشکل‌تر از آیه امر به استقامت «وَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ»^۴ بر پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل نشد؛ بنابراین هنگامی که اصحاب از آن حضرت پرسیدند: «قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ أَسْرَعَ إِلَيْكَ

* استادیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن.

۱. فصلت: ۳۰ - ۳۲.

۲. «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ» (هود: ۱۱۲)؛ «وَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» (شوری: ۱۵).

۳. فصلت: ۳۰ - ۳۲.

۴. هود: ۱۱۲.

الشَّيْبُ؟ قَالَ شَيْبَتُنِي هُوْدُ وَالْوَاقِعَةُ وَ...»^۱: چرا به این زودی موهای شما سفید شد و آثار پیری در شما نمایان گشته است؟ فرمود: مرا سوره هود و واقعه ... پیر کرد. آن حضرت بعد از نزول این آیه فرمود: «دامن به کمر بزنید، [که وقت کار و تلاش است] و نقل شده است بعد از آن پیامبر ﷺ هرگز خندان دیده نشد».^۲

معناشناسی استقامت

«استقامت» مصدر باب استفعال از «ق و م» به معنای اعتدال است.^۳ با توجه به معنای قیام و معنای طلب که در باب استفعال وجود دارد، مفسران تعاریف زیر را برای استقامت بیان کرده‌اند: الف) استقامت به معنای ثبات و استمرار در عمل به کتاب خداوند و سنت پیامبر و حکم عقلی است.^۴

ب) حقیقت استقامت و فایز نمودن به تمام حقوق است. ملازم بودن بر صراط مستقیم یعنی در تمام حرکات و سکونات و گفتار و افکار و غیر اینها مشی و حرکات به طور اعتدال و حد وسط واقع گردد.^۵

ج) استقامت انسان در یک کار این است که از نفس خود بخواهد درباره آن امر قیام نماید، آن را اصلاح کند؛ به طوری که دیگر فساد و نقص به آن راه نیابد و به حد کمال و تمامیت خود برسد.^۶

تبیین استقامت در کلام اهل بیت علیهم السلام

پیامبر اسلام ﷺ بعد از تلاوت «الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ...»^۷ فرمود: «گروهی این سخن را گفتند، سپس بیشتر آنها کافر شدند؛ اما کسی که این سخن را بگوید و هم‌چنان به آن تداوم دهد تا مرگش فرا رسد، او از کسانی است که بر آن استقامت کرده است».^۸ در حدیثی دیگر از پیامبر

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۰۵.

۲. جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۴، ص ۴۰۸.

۳. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۹۸.

۴. محمدجواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ص ۳۰۱.

۵. سیده نصرت بیگم امین اصفهانی، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۶، ص ۳۲۰.

۶. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۶۱.

۷. فصلت: ۳۰.

۸. «قد قالها النَّاسُ، ثُمَّ كَفَرُوا أَكْثَرُهُمْ، فَمَنْ قَالَهَا حَتَّى يَمُوتَ فَهُوَ مِمَّنْ اسْتَقَامَ عَلَيْهَا» (عبدعلی عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۴۷).

گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است که شخصی خدمت ایشان عرض کرد: «دستوری به من ده که به آن جنگ زنم و در دنیا و آخرت اهل نجات شوم. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: بگو پروردگار من خداست و بر این گفته خود استقامت نما. سپس پرسید خطرناک‌ترین چیزی که باید از آن بترسم، چیست؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زبانش را گرفت و با اشاره فرمود: این».^۱

امیر مومنان علی عَلِيٌّ بعد از تلاوت آیه «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ...» در تبیین معنای استقامت فرمودند: «شما گفتید پروردگار ما "الله" است؛ اکنون بر سر این سخن پایمردی کنید، بر انجام دستورهای کتاب او و در راهی که فرمان داده، و در طریق پرستش شایسته او استقامت به خرج دهید، از دایره فرمانش خارج نشوید، در آیین او بدعت مگذارید و هرگز با آن مخالفت نکنید».^۲

امام علی بن موسی الرضا عَلِيٌّ در پاسخ سؤال از تفسیر «استقامت» فرمود: «استقامت همان روش ولایتی است که شما دارید».^۳ این تفسیر بدان معنی نیست که مفهوم آیه در مسئله ولایت خلاصه شود، بلکه از آنجا که پذیرش رهبری ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ضامن بقای خط توحید و روش اصیل اسلام و ادامه عمل صالح است، استقامت را به این معنی تفسیر فرموده است.

بنابراین استقامت و مقاومت منحصر به رویارویی در میادین جنگ و نبرد نیست و دربرگیرنده هر نوع مقاومت در برابر عوامل برهم‌زننده توازن و تعادل می‌شود.^۴ رهبر معظم انقلاب درباره معنای مقاومت می‌فرماید: «معنای مقاومت چیست؟ معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند، راه درست می‌داند و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است».^۵

آثار استقامت

استقامت و پایداری در راه حق و اجرای دستورات الهی بر اساس آیات کریمه قرآن دارای آثار و برکات ارزشمند دنیوی و آخروی است که در ادامه به مواردی از آن اشاره می‌شود.

۱. اسماعیل حقی بروسوی، روح البیان، ج ۸، ص ۲۵۴.
۲. «وقد قلتم "ربنا الله" فاستقيموا على كتابه و على الطريقة الصالحة من عبادته، ثم لا تمرقوا منها، و لا تبدعوا فيها، و لا تخالفوا عنها» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).
۳. «هي و الله ما انتم عليه» (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۷).
۴. مطلق شقور و رفقه نبیل، اثر حزب الله في تطوير فكر المقاومة و اساليبها في المنطقه العربية، ص ۲۰ و ۲۱.
۵. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، ۹۸/۳/۲.

۱. بهره‌مندی از امنیت و آرامش

یکی از ثمره‌های استقامت بر صراط مستقیم توحیدی، بشارت به امنیت و آرامش از سوی ملائکه است؛ در نتیجه ترس و غم از افراد و جامعه اسلامی رخت برمی بندد. خداوند می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا»^۱

همانا کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس بی‌هیچ انحرافی بر این سخن

ثابت‌قدم ماندند، فرشتگان با این پیام بر آنان فرود می‌آیند که نترسید و اندوه مدارید.

در تمایز میان خوف و حزن در آیه گفته شده است: «خوف [ترس] از چیزی است که ممکن است واقع شود؛ ولی حزن [اندوه] از چیزی است که واقع شده است»^۲. ترس ناظر به آینده و خوف ناظر به گذشته است.

در آیه‌ای دیگر نیز به این آثار استقامت اشاره شده است: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضْرِبْكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ»^۳ اگر در برابر کینه‌توزی‌های آنها استقامت کنید و پرهیزگار و خویشتن‌دار باشید، آنان نمی‌توانند به وسیله نقشه‌های خائنانه خود به شما لطمه‌ای وارد کنند؛ زیرا خداوند به آنچه می‌کنید، کاملاً احاطه دارد.

از این آیه فهمیده می‌شود آرامش داشتن مسلمانان در مقابل نقشه‌های شوم دشمنان، مشروط به ایستادگی و هوشیاری و داشتن تقوا است و فقط در این حالت امنیت آنان تضمین می‌شود.^۴ به عبارت دیگر خنثی شدن کید دشمنان و تأمین امنیت و آرامش مسلمانان از جمله مهم‌ترین آثار و برکت‌های کاربست راهبرد مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان است.

آیه سیزدهم سوره «احقاف» با همین مضمون، بیانگر آن است که اگر جامعه اسلامی بر آرمان توحیدی بی‌هیچ انحرافی ثابت‌قدم بماند و مقاومت کند، از هرگونه ترس و اندوهی در امان خواهد بود؛ زیرا مؤمنان بر اعتقاد به ربوبیت خدای یگانه استقامت می‌ورزند و خداوند به پاداش آن، آرامش خاطر به آنان بخشیده است و غم و ترس را از دل‌های آنان بر می‌دارد.^۵

طبرسی باورمند است فرشتگان بر اهل استقامت وارد می‌شوند و آنان را در مسیر زندگی‌شان

۱. فصلت: ۳۰.

۲. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۵۸.

۳. آل عمران: ۱۲۰.

۴. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۶۶.

۵. عبدالکریم خطیب، التفسیر القرآنی، ج ۱۳، ص ۲۷۳؛ محمد بن طاهر ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۲۶، ص ۲۴.

یاری می‌رسانند و به آنها دلگرمی می‌بخشند؛ حضور فرشتگان فقط یک‌بار نخواهد بود، بلکه حضوری دائمی است بر اهل استقامت تا روحیه آنها را مضاعف سازند، یاری‌شان کنند و با همدلی و همراهی، حزن و اندوه را از آنان برطرف نمایند. اینکه به مؤمنان به دوستی فرشتگان در دنیا و آخرت مزده داده شده است و اینکه در بهشت آنچه را بخواهند برای آنها آماده است، دال بر این است که استواری و پایداری در ایمان و عمل از شریف‌ترین عبادت‌های خدا و از پراج‌ترین مسلک‌ها و درجه نهایی کمال در آن است.^۱

۲. بهره‌مندی از رزق فراوان

برخورداری از برکت‌هایی همچون باران که خود سرچشمه بسیاری از نعمت‌های الهی است، از دیگر آثار استقامت و پایداری در راه حق است. خداوند می‌فرماید: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا لَنَنْفِتْنَهُمْ فِيهِ»^۲ بی‌تردید اگر [انس و جن] بر راه راست اعتقاد و عمل استقامت ورزند، به‌یقین آنها را از آب فراوان و برکت‌های مادی و معنوی سیراب سازیم تا آنها را در این باره آزمایش کنیم.

علامه طباطبائی معتقد است مراد از «طریقه» در این آیه، طریقه اسلام است و استقامت بر طریقه به‌معنای ملازمت و ثبات بر اعمال و اخلاقی است که ایمان به خدا و آیات او اقتضای آن را دارد. بعید نیست از سیاق استفاده شود جمله «لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» مثلی باشد که بخواهد توسعه در رزق را برساند. جمله «لَنَنْفِتْنَهُمْ فِيهِ» هم این احتمال را تأیید می‌کند؛ چون خدای متعال غالباً با توسعه رزق بندگان را امتحان می‌کند؛ پس استقامت در طریقه، وسعت رزق فراوان را در پی دارد.^۳ شاید مقصود از «ماء» معنی اعم اراده شده است؛ زیرا آب مادی جسمانی، حیات‌بخش بدن و طبیعت مادی است و آب رحمت که از سرچشمه فیض الهی تراوش نماید، حیات‌بخش دل مرده انسانی است و محل پیدایش و جای فرود آمدن آن قلبی است که با متانت و استقامت و پایداری در طریق توحید و ایمان و تقوا همراه باشد. کسی که طالب چشیدن آب رحمت و معرفت و محبت الهی است، باید ایمان او با متانت، استقامت و بردباری توأم گردد.^۴ در روایتی از امام علی علیه السلام «لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» به پرشدن قلوب آنان با ایمان معنا شده است:

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۲.

۲. جن: ۱۶-۱۷.

۳. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۴۷.

۴. نصرت بیگم امین اصفهانی، تفسیر مخزن العرفان در تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۴۸.

«لَا تَشْرِبْنَا قُلُوبَهُمْ الْإِيمَانَ»^۱. در روایت امام صادق علیه السلام به علم کثیری که از ائمه آموخته می‌شود، معنا شده است: «مَعْنَاهُ لَا فِدَانَهُمْ عِلْمًا كَثِيرًا يَتَعَلَّمُونَهُ مِنَ الْأَيَّمَةِ»^۲.

با توجه به اینکه «وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا» جمع بیان شده است، می‌توان دریافت در برابر هجوم دشمنان همگان باید استقامت گروهی و جمعی داشته باشند و مقاومت فردی جوابگو نیست. دشمنان با تهاجم‌های فرهنگی خود ناتوانی و رکود و سستی را به جوامع به‌ویژه کشورهای اسلامی تلقین می‌کنند و با تضعیف و به‌سخره‌گرفتن نمادهای فرهنگی، سعی در به‌اسارت‌بردن انسان‌ها و ظلم عقیدتی و فرهنگی بر آنها هستند. تلاش‌های دشمنان از قبیل استراق سمع، ساختن سخنان دروغ، برنامه‌ریزی دقیق، تهدید و تردید در باورهای دینی و ... است که تنها راه مبارزه با آنها، استقامت ملت‌ها با تعمیق مؤلفه‌های فرهنگی خود و آگاهی از توطئه‌های فرهنگی و غیرفرهنگی محسوس و نامحسوس دشمن است.

۳. بهره‌مندی از نصرت الهی و پیروزی

بهره‌مندی از نصرت الهی و پیروزی بر دشمنان از دیگر آثار پایداری و استقامت امت اسلامی در مسیر دفاع از ارزش‌های الهی است. خداوند متعال در قرآن کریم بارها مسلمانان را به پیروزی و رستگاری بعد از استقامت‌شان مژده می‌دهد و می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۳ و سست نشوید و غمگین مگردید و شما برتر و پیروزید، اگر ایمان داشته باشید. این آیه بر لزوم استقامت و پرهیز از هرگونه سستی در مقابل دشمنان دلالت دارد و همچنین پیروزی بر دشمن را نتیجه مقاومت و ایستادگی معرفی می‌کند.

در آیه‌ای دیگر آمده است: «إِنِّي جَزِيئُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ»^۴؛ حقا که من امروز آنها را در مقابل صبرشان پاداش خواهم داد که آنها همه کامیابند.

در آیه‌ای دیگر نیز بندگان را به استقامت ترغیب نموده است و نتیجه آن را فلاح و پیروزی بیان کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۵؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبایی ورزید و دیگران را نیز به شکیبایی وادارید [و در برابر دشمن

۱. عبدعلی حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۳۸.

۲. همان، ص ۴۳۹.

۳. آل عمران: ۱۳۹.

۴. مؤمنون: ۱۱۱.

۵. آل عمران: ۲۰۰.

پایداری] کنید و مرزداری نمایید و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید.

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید:

«مصابره یعنی جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیت‌ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر هست، دست به دست هم دهد و تأثیر صبر بیشتر گردد؛ چون باعث می‌شود تک‌تک افراد نیروی یکدیگر را به هم وصل کنند و همه نیروها یکی شود. رابطه از نظر معنا اعم از مصابره است؛ چون مصابره عبارت بود از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شداید؛ اما رابطه عبارت است از همین وصل کردن نیروها، اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شداید، بلکه همه نیروها و کارها در جمیع شئون زندگی دینی چه در حال شدت و چه در حال رخا و خوشی. مراد از رابطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود برسد و اگر رابطه نباشد، گو اینکه صبر من و تو به تنهایی و علم من و تو به تنهایی و هر فضیلت دیگر افراد به تنهایی بعضی از سعادت را به ارمغان می‌آورد و نه همه آن را و بعضی از سعادت، سعادت حقیقی نیست؛ به همین دلیل دنبال سه جمله: اصبروا و صابروا و رابطوا، فرمود: و اتقوا الله لعلکم تفلحون که البته منظور از این فلاح هم فلاح تام حقیقی است»^۱.

همچنین در سوره «انفال» به این دست‌آورد استقامت اشاره شده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ»^۲ ای پیامبر، مؤمنان را به جهاد ترغیب کن که اگر از شما بیست نفر شکیب باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر از شما یکصد تن باشند، بر هزارتن از کسانی که کفر ورزیده‌اند پیروز می‌گردند؛ زیرا آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند.

حضرت علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «وَاسْتَشْعِرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ أَدْعَى إِلَى النَّصْرِ»^۳: «پایداری و استقامت را پیشه خود سازید که این خصلت مایه پیروزی است.

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۹۱.

۲. انفال: ۶۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۵۱.

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند:

«ملت‌هایی که فکری دارند، انگیزه‌ای دارند، متکی به خدا هستند، متوکل علی‌الله هستند، می‌ایستند و خدای متعال به آنها کمک خواهد کرد. این سنت الهی است اگر مسلمان‌ها بایستند بر همه سازوبرگ قدرت‌های طاغوتی و مستکبر پیروز خواهند شد.»^۱

ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند:

«در دو جای قرآن "استقام" دارد،^۲ استقامت کردن یعنی ثبات ورزیدن در این راه و تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار نگرفتن، راه راه همواری نیست. راهی است که پیغمبران در آن راه با زحمت حرکت کردند و پیش رفتند.»^۳

از این رو در جامعه‌ای که افراد آن با هم مرتبط هستند و با یکدیگر پیوند اجتماعی برقرار کرده‌اند، می‌توانند با استقامت در برابر تهاجم دشمنان و ارتقای سطح فرهنگی بینشی خود، جامعه را از یوغ استکبار و استعمار نجات دهند و امید به پیروزی و نصرت الهی و تحقق وعده‌های الهی درباره صابران داشته باشند.

عوامل تحکیم و تقویت استقامت

۱. ایمان

امام صادق علیه السلام در نقش ایمان در حصول روحیه استقامت می‌فرمایند:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ إِنَّ زُبْرَ الْحَدِيدِ إِذَا دُخِلَ النَّارَ تَغَيَّرَ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ قُتِلَ ثُمَّ نُشِرْتُمْ قُتِلَ لَمْ يَتَغَيَّرْ قَلْبُهُ»^۴؛ افراد با ایمان از قطعات آهن محکم‌ترند؛ چراکه آهن هنگامی که وارد آتش شود، تغییر می‌کند؛ اما مؤمنان اگر کشته شوند و سپس زنده شوند و باز کشته شوند، تغییری در روحیه آنها پیدا نمی‌شود.

مشکلات همواره در زندگانی فردی و به‌ویژه جمعی وجود دارد. دشمنان همواره می‌کوشند جامعه را با مشکلات روبرو کنند تا مردم خسته و از ادامه راه مأیوس شوند؛ اما افرادی با ایمان در پرتو ایمان خود در برابر انبوه مشکلات تسلیم نمی‌شوند؛ زیرا می‌دانند در راه اطاعت از خدا و

۱. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، ۹۷/۹/۴.

۲. هود: ۱۱۲؛ شوری: ۱۵.

۳. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، ۹۸/۸/۱۸.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۰۳.

برای سربلندی و عظمت اسلام و کشورشان باید خویشتن‌داری و ایستادگی کنند و از هیچ امری نهراسند.

۲. زنده‌بودن قلب

پیمودن مسیر الهی با قلبی که در آن نور الهی جای ندارد و از حیات معنوی بهره‌ای نگرفته است، امکان‌پذیر نیست؛ در حالی می‌توان به این مطلوب نایل شد که صاحب قلبی با حیات معنوی بود. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «با زنده‌بودن و حیات قلب، استقامت حاصل می‌شود».^۱

۳. استفاده از عقل

انسان با عقل خود خیر و شر و حق و باطل را تشخیص می‌دهد. استقامت در راه دین همان مداومت بر تشخیص راه حق است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «تَمَرَّةُ الْعَقْلِ الْإِسْتِقَامَةُ»:^۲ میوه خرد، استقامت است.

فهرست منابع

* قرآن

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحرير و التنوير؛ تونس: الدار التونسيه، ۱۹۹۷ م.
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم؛ لسان العرب؛ بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۸ ق.
۳. امين اصفهاني، سیده نصرت بیگم؛ تفسیر مخزن العرفان در تفسیر القرآن؛ اصفهان: انتشارات اکرام، [بی تا].
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ غرر الحکم؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۵. حقی بروسوی، اسماعیل؛ روح البیان؛ به کوشش احمد عیدو؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین؛ قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۷. خطیب، عبدالکریم؛ التفسیر القرآنی؛ بیروت: دار الفکر العربی، ۱۹۷۰ م.
۸. سیوطی، جلال الدین؛ الدر المنثور؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۹. شقور، مطلق و رفقه نبیل؛ اثر حزب الله فی تطوير فکر المقاومة و اسالیبها فی المنطقه

۱. میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۲۶.

۲. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم، ج ۱، ص ۵۳.

- العربیة؛ نابلس: جامعه النجاح الوطنی، ۲۰۰۹ م.
۱۰. صبحی، صالح؛ نهج البلاغه؛ تهران: دار الاسوه، ۱۴۱۵ ق.
 ۱۱. صدر، سیدرضا؛ استقامت؛ چ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
 ۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۰ ش.
 ۱۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
 ۱۴. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ به کوشش الدراسات الاسلامیه؛ تهران: البعثه، ۱۴۱۷ ق.
 ۱۵. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی؛ بحار الأنوار؛ بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.
 ۱۶. مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
 ۱۷. مغنیه، محمدجواد؛ تفسیر الکاشف؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.
 ۱۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
 ۱۹. نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل؛ قم: آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.